

روابط ایران و روسیه و چشم‌انداز آن

گروه مطالعات بین‌الملل

اشاره:

ورود روسیه به اقدام نظامی در حمایت از حکومت سوریه، در قالب حملات هوایی و سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به ایران در جریان نشست سران کشورهای صادرکننده گاز و دیدار وی با مقام معظم رهبری، که کم‌نظیر و تاریخی خوانده شده است، از اراده تهران و مسکو برای ایجاد تحولاتی جدی در روابط فی‌مابین حکایت دارد. این نوشتار به موانع، فرصت‌ها و همچنین چشم‌انداز روابط راهبردی میان دو کشور پرداخته و اتفاقات و تحولات اخیر در روابط آنها را در این چارچوب مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقدمه

است، ملاقاتی با این اهمیت، با توجه به نوع برخورد و شروع دیدار و مدت طولانی اختصاص یافته به مذاکره و همچنین مطالب متنوع و بسیار مهم و راهبردی که بین ایشان و مقام معظم رهبری ردوبدل شد، سراغ ندارم. آقای ولایتی ارزیابی خود از این دیدار و مباحث مطرح شده در آن را این گونه عنوان کرده است: «برداشت بنده این است که این در حقیقت یک «نقطه عطف» در ابتدای راه روابط دو کشور است. این گونه می‌توان گفت که روابط دو کشور وارد رابطه راهبردی شده است. البته از اواخر مذاکرات هسته‌ای، همکاری‌های روسیه با ایران بیشتر شده بود. حال همکاری‌های جدید منطقه‌ای در سوریه و همین‌طور سایر مناطق غرب آسیا، حکایت از این دارد که ما در آغاز یک ارتباط راهبردی با کشور روسیه هستیم؛ ارتباطی که در یک سوی آن، ایران به‌عنوان قدرت اول منطقه قرار دارد و در سوی دیگر آن، روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت نظامی و قدرت مهم تأثیرگذار بین‌المللی که عضویت در شورای امنیت هم دارد، قرار گرفته است». به هر حال اینکه یک مقام با سابقه دستگاه دیپلماسی ایران با تجربه بیش از سه دهه در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی، چنین ارزیابی از نشست رهبران ایران و روسیه ارائه کرده است، حائز اهمیت بوده و شایسته است بررسی شود که چه تحول یا تحولات مهمی در روابط تهران-مسکو به وقوع پیوسته یا در حال وقوع است؟ این نوشتار تلاش می‌کند با بررسی الگوی تعاملات و مناسبات روابط دو کشور و مسائل اساسی مطرح در روابط آنها و نیز تحولات اخیر در مناسبات دو طرف، جوانب این رویداد را بررسی کرده و نگاهی به چشم‌انداز مناسبات دو کشور داشته باشد.

سومین نشست سران کشورهای عضو «مجمع صادرکنندگان گاز»، اوایل آذرماه در تهران برگزار شد. بدون تردید، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، مهم‌ترین مهمان این نشست بود. آنچه حضور وی در این نشست را برجسته کرد، نه خود نشست و تصمیمات آن، بلکه دیداری بود که رئیس‌جمهور روسیه با مقام معظم رهبری داشت. پوتین بعد از ورود به تهران، مستقیم به دیدار رهبر معظم انقلاب رفت. علی‌اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل مقام معظم رهبری که در این دیدار، حضور داشت، این ملاقات دو ساعته را این گونه توصیف کرده است: «این دیدار، دیداری کاملاً صمیمی و در عین حال راهبردی و صریح بود. از این زاویه شاید بتوان گفت در تاریخ جمهوری اسلامی ایران در طول این ۳۷ سالی که از انقلاب می‌گذرد، ملاقاتی با این کیفیت و با این اهمیت و با این محتوا، بنده سراغ ندارم. در واقع بنده در طول شانزده سالی که در وزارت خارجه بودم و در طول این حدود هجده سالی که بعد از وزارت خارجه توفیق داشته‌ام به‌عنوان مشاور مقام معظم رهبری خدمت کنم (یعنی قریب ۳۴ سال که در حوزه سیاست خارجی کار می‌کنم)، در مقایسه با بقیه اقداماتی که در حوزه سیاست خارجی شده

الگوی روابط ایران و روسیه؛ «دوستی سطحی»^۱

سیر روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه نشان می‌دهد روابط آنها به ندرت به سطح روابط راهبردی رسیده است. دو طرف همیشه به یکدیگر به‌عنوان مهره یا ابزاری برای پیش‌برد منافع خویش، به‌خصوص در روابطشان با غرب، نگاه کرده و هر جا فرصت را فراهم دیده‌اند، منافع یکدیگر را به فراموشی سپرده‌اند. این در مورد روس‌ها بسیار صادق‌تر است، چون آنها فرصت‌های بیشتری در روابطشان با غرب داشته و به‌عنوان یک قدرت بزرگ، از ایران در بسیاری از موارد به‌مثابه یک کارت بازی بهره گرفته‌اند. در قضیه توافقی گورچرنومردین در دوران یلتسین (ال‌گور معاون اول بیل کلینتون و چرنومردین نخست‌وزیر روسیه)، مسکو متعهد شد فروش تجهیزات نظامی و هسته‌ای به ایران را متوقف کند و در مقابل، واشنگتن وعده داد تا در بازار تجارت جهانی سلاح، سهمی را برای سلاح‌های روسی فراهم نماید. حمایت روسیه از آذربایجان در جریان ماجرای جولای ۲۰۰۱ (هشدار کشتی جنگی ایرانی به کشتی‌های تحقیقاتی تحت امر آذربایجان در آب‌های مورد اختلاف ایران و آذربایجان) را می‌توان نمونه دیگری از این الگو دانست. در آن زمان، دولت روسیه ضمن اعتراض نسبت به اقدام ایران، طبق دستور پوتین، صادرات موشک‌های با برد ۳۰۰ کیلومتر به بالا و کلاهک‌های موشکی بیش از ۵۰۰ کیلوگرم و همچنین هواپیماهای بدون سرنشین، موتور، سوخت و اجزای موشک و مواد مختلف مورد استفاده در ساخت موشک را محدود کرد. در سال ۲۰۰۲ در حالی که هنوز رژیم حقوقی دریای خزر مشخص نشده بود، روس‌ها با آذربایجان و قزاقستان قراردادهای دوجانبه‌ای بر سر تقسیم منابع بستر دریای خزر در محدوده آب‌های مشترک بین خودشان (طبق معیاری تحت عنوان خط منصف اصلاح‌شده) منعقد نمودند. در بحث ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، باز هم روس‌ها چنین رفتاری از خود نشان دادند. در جریان صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل نیز بار دیگر روس‌ها با کارت ایران بازی کردند؛ مسئله‌ای که باعث تنش‌های لفظی میان برخی مقامات ارشد دو کشور نیز شد.

با وجود این نگاه کوتاه‌مدت در روابط ایران و روسیه، به نظر می‌رسد دو کشور خواهان وضعیتی نیستند که در آن، سیاست‌های یکی از آنها در رابطه با غرب دچار تحولی اساسی بشود. روس‌ها طرفدار روابطی دوستانه و گرم میان ایران و غرب نیستند و در این راستا تلاش خودشان را نیز انجام می‌دهند. متقابلاً جمهوری اسلامی ایران نیز از وجود مناسبات دوستانه بین روسیه و غرب خرسند نیست.

این وضعیت در روابط ایران و روسیه را می‌توان نوعی «دوستی سطحی»

در نظر گرفت. در الگوی «دوستی سطحی»، طرفین به‌رغم اینکه اظهار دوستی می‌کنند و نشان می‌دهند که برای ارتقاء روابط تلاش می‌کنند، اما به دلایل مهمی نمی‌توانند به روابط عمیق و راهبردی برسند. در واقع در چنین الگویی، طرفین ممکن است در برخی موارد که منافع مشترک یا موازی دارند، با هم همکاری کنند، اما این همکاری، با موانع بسیاری همراه بوده و نمی‌تواند به صورت بلندمدت و راهبردی ادامه یابد. در الگوی «دوستی سطحی» این امکان وجود دارد که در مواردی، روابط به سمت تنش (عمدتاً لفظی) پیش برود، اما در نهایت تلاش طرفین یا یکی از آنها (اغلب مقصر ایجاد تنش) یا حتی ممکن است یک مسئله خاص مربوط به منافع مشترک، باعث بهبود روابط شود. فقدان ثبات در روابط دوجانبه و دوره‌های متوالی روابط مثبت و منفی، مشخصه اصلی دوستی سطحی است. در ضمن دوره زمانی چرخه تخریب و بهبود روابط (یا چرخه روابط مثبت و منفی) متفاوت است؛ به این معنی که ممکن است این چرخه در موردی، ۵ ساله و در مورد دیگری، ۱۰ ساله باشد.

موانع روابط راهبردی و پایدار ایران و روسیه

پایه‌ریزی روابط استراتژیک و پایدار جمهوری اسلامی ایران و روسیه همواره با مشکلات بسیاری مواجه بوده است. بخشی از این مسئله، تاریخی و ناشی از مناسبات تلخ و همراه با سوءظن در روابط دو کشور طی دو سده اخیر است. به هر حال روابط دو کشور مملو از خاطرات تلخ بوده است. قرارداد ترکمانچای، که روس‌ها در قرن ۱۹ بر ایران تحمیل کردند، به مثال یا معیار مهمی در بررسی‌ها و ارزیابی‌های سیاست خارجی ایران تبدیل شده است؛ به طوری که هر گاه کسی در ایران بخواهد در مورد نادیده گرفته شدن منافع ملی در مسئله‌ای اظهار نظر کند، به قرارداد ترکمانچای اشاره می‌کند. تفاوت در ماهیت نظام‌های سیاسی

1. Superficial Friendship

ایرانی، بخصوص بدنه کارشناسی سیستم بوروکراسی کشور نیز تعامل با غرب را یکی از راه‌های اصلی برای پیشرفت ایران می‌دانند. این امر موجب می‌شود که جایگاه غرب به ویژه برای روسیه، در قیاس با رابطه راهبردی تهران-مسکو، در اولویت قرار بگیرد.

بحث دیگری که وجود دارد، منافع متفاوت و اختلافاتی است که میان دو کشور ایران و روسیه وجود دارد. مسکو و تهران در مورد رژیم حقوقی دریای خزر اختلاف دارند. روس‌ها تمایل ندارند ایران نقش مهمی در آسیای مرکزی و قفقاز بازی کند. همچنین آنها از اینکه ایران به مرحله‌ای برسد که بتواند نقش یک قدرت بزرگ را بازی کند، استقبال نمی‌کنند. علاوه بر این، دو کشور منافع متفاوتی نیز دارند. برای مثال، روس‌ها رابطه خوبی با اسرائیل دارند و به هیچ وجه حاضر نیستند به خاطر ایران، به این رابطه صدمه بزنند. این در مورد روابط مسکو با کشورهای عربی رقیب یا مخالف ایران و از همه مهمتر، عربستان سعودی، نیز صادق است.

فرصت‌های مناسب برای ارتقاء روابط

با وجود شرایط فوق در روابط ایران و روسیه، طرفین فرصت‌های خوبی برای ارتقاء روابط دو جانبه دارند. هر دو کشور از سوی غرب تحت فشارهای اقتصادی و سیاسی هستند و این، آنها را به نزدیکی بیشتر به همدیگر ترغیب می‌کند. ایران (در صورتی که ناگزیر باشد) می‌تواند در برخی از حوزه‌ها مانند تجهیزات و تکنولوژی‌های صنعتی و نظامی، نیازهای خود را از طریق روسیه تأمین کند. در مقابل، با توجه به تحریم‌های روسیه علیه اروپا و ترکیه در زمینه برخی مواد غذایی و میوه‌جات، جمهوری اسلامی امکان افزایش صادرات به روسیه در این حوزه‌ها را بدست آورده است. البته موانع عمده‌ای در این مورد وجود دارد. مسائل مربوط به صدور ویزا، مشکلات بانکی، گمرکی و حمل و نقل از جمله مهمترین آنها هستند. همچنین هر دو کشور نسبت به گسترش افراط‌گرایی و تفکرات تکفیری و خشونت‌طلبانه نگران هستند و آن را تهدیدی جدی برای خود می‌دانند (۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر از جمعیت روسیه مسلمان هستند و در مناطق مسلمان‌نشین این کشور تفکرات افراطی ریشه‌ای قوی دارند). بدین ترتیب مقابله با چنین تفکراتی در افغانستان، پاکستان، آسیای مرکزی و خاورمیانه (بویژه در عراق و سوریه) جزو الزامات روابط آنها است. در واقع در این زمینه، طرفین انتخابی جز همکاری ندارند، چون دارای منافع کاملاً مشترکی در این حوزه هستند. ایران و روسیه هر دو نسبت به گسترش ناتو به شرق نگران بوده و آن را تهدیدی برای منافع خویش ارزیابی می‌کنند که این امر نیز می‌تواند موردی دیگر برای افزایش انگیزه ارتقاء همکاری‌های دو جانبه باشد. مقابله با تضعیف اصولی همچون حاکمیت ملی، استقلال و حق تعیین سرنوشت

ایران و روسیه و به تبع آن، تصمیم‌گیری در ساختار سیاست خارجی آنها نیز عامل مهم دیگری در این راستا محسوب می‌شود. روس‌ها بعد از تجربه تلخ دوران شوروی، ایدئولوژی را از مناسبات سیاست داخلی و خارجی خود حذف کرده‌اند و عمل‌گرایی را جایگزین آن نموده‌اند. یکی از کارشناسان مسائل سیاست خارجی روسیه این موضوع را این گونه بیان کرده است: «در حالی که ژئوپلیتیک اوراسیا عمق استراتژیک روابط خارجی تزارها و پیشبرد اهداف ایدئولوژیکی جهانی در کانون برنامه‌های رژیم کمونیستی شوروی قرار داشت، دلمشغولی روس‌های امروزی، خود روسیه است». این در حالی است که برای جمهوری اسلامی ایران، هم در داخل و هم در مناسبات سیاست خارجی، ایدئولوژی نقش مهمی دارد. طبیعتاً دو کشور با دو نگاه متفاوت نسبت به جهان و مسائل آن، به سختی می‌توانند روابط پایدار و راهبردی داشته باشند. با وجود، این نگاه رهبران دو کشور به دولت‌های غربی به ویژه آمریکا با بدبینی شدید همراه است. آنها در سطح بین‌المللی در پی به چالش کشیدن نقش و جایگاه هژمونیک آمریکا هستند. این تعارض و هم‌سویی افت و خیزها را در روابط ایران و روسیه معنادار و قابل فهم کرده است. نوع نگاه دو کشور به مسیر پیشرفت و ترقی نیز در عدم شکل‌گیری روابط راهبردی و پایدار میان آنها نقش دارد. ایران و روسیه هر چند در مسائل امنیتی و سیاسی نسبت به غرب دیدگاه بدبینانه‌ای دارند، اما نسبت به توسعه و پیشرفت مبتنی بر رابطه با غرب، همسان می‌اندیشند. یکی از اهداف مهم برای روس‌ها این است که روزی در ترتیبات اقتصادی و سیاسی-امنیتی مشترکی با غرب، بویژه اروپا، حضور داشته باشند. به تعبیر سفیر سابق ایران در روسیه، «تأمین» گاز اروپا برای روس‌ها از اهمیتی همسان با سلاح‌های هسته‌ای برخوردار است». بسیاری از نخبگان

از سوی برخی قدرت‌های بزرگ نیز جزو خواسته‌ها و منافع مشترک دو کشور است. نمود بارز آن نیز پافشاری دو کشور بر استقلال و حاکمیت ملی سوریه و حق مردم این کشور در تعیین سرنوشت کشور خویش است. در واقع تضعیف این اصول، در بلندمدت هم منافع روسیه و هم منافع جمهوری اسلامی را به خطر می‌اندازد.

چشم‌انداز روابط ایران و روسیه

روابط ایران و روسیه که در اثر همراهی مسکو با قطعنامه‌های شورای امنیت، بویژه قطعنامه ۱۹۲۹، به سردی گراییده بود، با شروع تحولات جهان عرب و بخصوص آغاز بحران در سوریه، دوباره بهبود یافت. در واقع هر دو کشور حامی حکومت سوریه بوده و برای مقابله با سقوط آن، چاره‌ای جز همکاری با هم نداشتند. تحولات اوکراین، که منجر به افزایش تنش‌ها در مناسبات روسیه و غرب شد نیز نگاه روس‌ها به شرق و کشورهایمانند ایران را تقویت نمود. روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران نیز در بهبود روابط مسکو-تهران بی‌تأثیر نبوده است. در واقع این دولت هم به قواعد بازی در نظام بین‌الملل پایبندتر است و هم ثبات رفتاری بیشتری دارد و به همین دلیل روس‌ها در مقابل خود، دولتی حرفه‌ای‌تر و معتبرتر را در ایران می‌بینند. حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران نیز حتماً در بهبود روابط دو کشور تأثیر گذار بوده است. زیرا روس‌ها به هیچ‌وجه حاضر به پذیرش یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای نبوده و نیستند و همراهی‌شان با فشارها بر ایران نیز عمدتاً به همین خاطر بوده است. حل و فصل مسئله هسته‌ای، خیال روس‌ها را از این بابت آسوده کرده است.

تشدید تنش‌ها بر سر سوریه و ورود روسیه به فاز اقدام نظامی در بحران این کشور (در قالب حملات هوایی)، روابط تهران-مسکو را وارد مرحله جدیدی کرد. سفر پوتین به تهران برای شرکت در نشست سران مجمع صادرکنندگان گاز و دیدار تاریخی وی با رهبر معظم انقلاب در جریان این سفر را باید در چارچوب این فرآیند، یعنی بهبود روابط ایران-روسیه، ارزیابی کرد. پوتین در جریان سفر به تهران تلاش کرد سوءظن ایرانی‌ها در مورد رفتار روسیه در قبال ایران را کاهش دهد و طرف ایرانی را متقاعد کند که روسیه شریکی قابل اطمینان برای ایران است. وی در دیدار با مقام معظم رهبری، با بیان اینکه «شما را متحدی مطمئن و قابل تکیه در منطقه و جهان می‌دانیم»، عنوان کرد: «ما متعهدیم که برخلاف برخی‌ها به شرکایمان از پشت خنجر نزیم و هیچ‌وقت در پشت پرده اقدامی بر ضد دوستانمان انجام ندهیم و اگر اختلافی هم داشته باشیم، با صحبت به تفاهم برسیم». رهبر انقلاب نیز ضمن تمجید از نقش روسیه و شخص پوتین در موضوع سوریه، به وی اطمینان داد که ایران

به سمت غرب چرخش نخواهد کرد. ایشان عنوان کردند: «نه درباره سوریه و نه در هیچ موضوع دیگری مذاکره دو جانبه با آمریکایی‌ها نداریم و نخواهیم داشت». این دو نکته یا وعده، احتمالاً مهم‌ترین خواسته‌های دو طرف از همدیگر هستند و می‌توانند، در صورت عملی شدن، به تعمیق روابط دو کشور کمک کنند. البته اینکه آیا چنین چیزی به نفع ایران است یا خیر، بحث متفاوتی است و نظرات متفاوتی در این مورد وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در چرخه تخریب و بهبود روابط یا چرخه روابط مثبت و منفی ایران و روسیه، به نظر می‌رسد مرحله جدید بهبود روابط دو کشور، نسبت به موارد قبلی جدی‌تر است، اما اینکه آیا این بهبود روابط به روابطی راهبردی و پایدار میان آنها منجر خواهد شد یا خیر، جای بحث دارد. به نظر می‌رسد واقع‌بینی به جای خوش‌بینی مطلق، بهتر می‌تواند به مسیر آتی روابط ایران-روسیه شکل دهد. در روابط ایران و روسیه، مسائلی وجود دارد که صرفاً با گذر زمان و تلاش پیگیر برای حل اختلافات و همچنین تغییر نگرش نخبگان و افکار عمومی طرفین نسبت به همدیگر، قابل حل و فصل هستند. در ضمن، در مسیر بهبود روابط دو کشور نباید انتظار داشت طرفین منافع متفاوت خود را رها کنند و صرفاً بر منافع مشترک و موازی تکیه نمایند. در دنیای کنونی، چنین اتفاقی در روابط هیچ دو کشوری روی نداده و نخواهد داد. پیچیدگی‌های روزافزون روابط بین‌الملل، دولت‌ها را ملزم به پیگیری سیاست‌های خارجی چندبُعدی می‌کند و هیچ کشوری خارج از این قاعده نتوانسته و نمی‌تواند منافع خویش را برآورده نماید

